

متن پیاده سازی شده نشست سوم (26) سال دوم درس خارج فقه هنر 25 مهر 1401

برای دریافت فایل [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين
اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک عليه و على آباءه فى هذه الساعة و فى كل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا
وعينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا
استثناءات غنا

شتر برای سیرش وقتی آواز می خوانید خیلی راحت سیر می کند
التغنى فى صوت الابل المسمى بالحدی

از نظر موقعیت فقهی بین فقها ، جماعتی استثنا کردند و جماعتی مخالفت کردند. از نظر موقعیت شرعی ، که موقعیت خوبی دارد، جناب سکونی یک معتبره ای دارد، از امام صادق علیه السلام از رسول خدا که فرمودند : زاد المسافر الحداء و الشعر... توشه مسافر خداست؛ چون شترش راحت تر میرود و تا حد زیادی شتر سرگرم می شود ؛ از این لحاظ برخی جواز را خواستند که استفاده کنند. ولی این روایت موانعی را در پیش دارد. اولین مانع آن ، دو روایت است؛ از امام صادق علیه السلام که از آن منع استفاده می شود.

اما یستحیی احدکم ان یغنی علی دابته و هی تسبیح

آیا حیا نمی کنید یکی از شما ها که پشت دابه بخواند د رحالی که دابه تسبیحتسبیح خدا را می گوید...

چون می دانید بر اساس اعتقادات ما ، موجودات شعور دارند و تسبیح می کنند. تسبیح لله ما فی السموات والارض ؛آیه نمی گوید من فی السموات والارض ؛ می گوید: ما فی السموات و الارض ...
کل قد علم صلاته و تسبیحه ؛

منتها بشر از بس خودخواه است اگر به چیزی نرسید آن را انکار می کند.

البته ممکن است تسبیح به معنای سیر باشد ؛ یعنی معنی حقیقی حدیث این می شود ؛ آیا حیا نمیکند یکی از شماها در حالی که بر پشت شتر در حال آواز خوانی است و شتر هم سیر می کند؟!
امام صادق: *إِضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ .*

و لا تغنوا علی .. اما یستحیی احدکم ان یغنی علی ظهر الدابه و هی تسبیح ...؟

حال این جا می توان مواضع مختلف گرفت یکی این که حمل بر کراهت کنیم د مقابل جواز...

یکی دال بر منع

این دو روایت ، مخالف با عامه است و روایت سکونی موافق عامه است

روایت موافق در تعارض با روایت مخالف کنار می رود.

خود سکونی هم سنی است و از قضات سنی است و احتمال این که امام علیه السلام از او تقیه کرده باشند ، هست.

برخی گفته اند: ان العرف لا یراه مطربا و علیه فالظاهر فانه خارج من مفهوم الغناء موضوعا و قد مال الیه صاحب الجواهر بل ربما ادعی ان الحدی قسیم للغنا بشهادة العرف و حیثئذ یکون خارجا عن الموضوع (این خروج موضوعی دارد ولی ما نوشتیم این چه حرفی است که شما مدعی آن هستید؟)

فتوای فقها در این زمینه موسیقی بیشتر جنبه این داشته که احتیاط کنیم...
در مبحث آسیب شناسی رفتار فقها، در بحث غنا، چند آسیب بود: از جمله ابهام، یکی بحث نگاه تنزیهی و تحذیری و احتیاط است ...

گفته می شود کراهات کمر بند ایمنی هست برای محرمان

غنا در مرآئی

اگر خواستید مرآئی هم مرآئی امام حسین علیه السلام حساب کنید.

چه کسی گفته در این مورد استثناءست و جایز است؟ آقای نراقی

ملاحمد نراقی صاحب مستند ج 14 از ص 144 تا ص 146

و مجمع الفائده اردبیلی

آقای نراقی گفته: اصل... اصل عدم حرمت و اصل اباحه

این جریان وقتی به درد می خورد که دلیلی بر دو طرف نداشته باشیم .

این را چگونه حساب می کنید: عمل الناس فی الاعصار والامصار من غیر تکیرواعظان ، مداحان و شاعران می خواندند و

کسی هم انکار نمی کرد.... شما اگر این را در قالب سیره متشرعه می برید؟

قول امام صادق علیه السلام: لمن انشد عنده مرثیه

امام به کسی که در نزد امام علیه السلام قرائتی داشت فرمود: اقراء کما عندکم....

و حضرت اشاره داشتند به رسمی در عراق

خود امام صادق هم سفری به عراق داشتند

این طیف از علما با این دیدگاهی که دارند غنا را خیلی موسع معنا میکنند.

آقای نراقی ده دوازده معنا برای غنا می آورد .

از جمله مواردی که برای غنا آوردند؛ این که کمک به حزن و غم می کند .

بانه معین علی البکاء و هو اعانة علی الخیر

اصل و عمل مردم و این قول امام صادق و همین که کمک برای کار خیر است....

این مطلب چند ان قلت دارد

برخی ها گفته اند جناب نراقی این حرفها چیست که میزید؟

درست است که غنا ، اعانت بر بکاء هست اما بکاء بر چه کسی؟

باید دید آیا واقعا بکاء بر امام حسین است؟ چه بسا، کسی بکاء می کند اما به خاطر مشکلاتی است که برایش پیش آمده است.

انتقادی که می کنند این که چه بسا این گریه ها ریشه ای غیر بکاء بر امام حسین علیه السلام داشته باشد.

مهم این است که انسان از طریق یادآوری مصیبت های امام حسین علیه السلام گریه اش بگیرد نه این که صرفا کسی دشتی

بخواند و انسان گریه کند.

از همه این ها مهم تر ، آن چه که ما ماموریم مرثیه از باب حلال است نه حرام ..

می گوید:

والقول بان المسلم اعانة الغنا علی مطلق البکاء اما کونه معینا علی البکاء علی الحسین فهو غیر مسلم و کونه خیرا ممنوع مع ان

عموم رجحان علی الخیر و اطلاقه ولو بالحرام غیر ثابت ..بل الثابت عدمه .

اگر در روایات آمد ، آقایان شوهرها خرج خانم هایتان را بدهید . به این معنا که بروید کار کنید و خرجی آن ها را بدهید..نه این

که کسی بگوید من می خواستم هزینه های زن و بچه را بدهم دزدی کردم ...دادن نفقه واجب و دزدی حرام و..لذا تعارضا ..

قاعده لا ضرر هم در اصل لا مفسده فی الاسلام است

آقای نراقی فرمود: غنا در مرآئی اشکال ندارد.

نراقی می گوید: لیس مراد المستدل تجویز اعانة البر علی الحرام بل يمنع الحرمة حین کون الغنا معینا علی البکاء

منع می کند که در این صورت حرام باشد

استنادا الی تعارض عمومات حرمة الغنا با عمومات رجحان اعانت بر بر ... این ها تعارض می کنند .

پس این یک قانون است که واجبات و مستحبات باید انجام شود با اسباب حلال ...

از آن طرف هم بحث تزامم واجب و حرام که می رسد این جا آقایان میگویند باید ملاکات سنجیده شود اگر واجب اهم بود ، واجب اگر حرام اهم بود ترک شود.... در مرحله استنباط هم می گویند تعارض سوال این است که در مانحن فییه از کدام قبیل است؟ آیا از قبیل اول است که بگوییم مراثی بر امام حسین با اسباب حلال باشد . و اصلا نوبت نمی رسد به تعارض ادله مراثی با ادله حرمت غنا ... یا تزامم چون از اول ضیق ذاتی دارد .

ما یک عموماتی داریم استحباب گریه یا استحباب اعانت بر خیر

و یک عموماتی هم داریم حرمت غنا است... که بعد ما می گوییم که این ها تعارض می کنند، تساقط می کنند سوال می شود که این از مورد اول است یا دوم؟

آیا از قبیل ضیق ذاتی وانجام واجبات و مستحبات از راه حلال است یا از طریق دوم است که تعارض دارد؟

اگر دقت کنید نراقی این مورد را در باب تعارض می برد .

آن آقا می گفت: عموم رجحان اعانت بر خیر و عموم رجحان مصیبت بر امام حسین علیه السلام عموم این ادله و لو بالحرام غیر ثابت (ضیق ذاتی دارد) نراقی چه جواب می دهد؟

تعارض عمومات حرمت غنا مع عمومات الاعانة بالبر ... فیبقی محل تعارض علی مقتضی الاصل ...

این دو را باید از هم جدا کرد . باید دید کجا از قبیل قبلی است و کجا از قبیل دوم است....

این سوال را کار کنید برای جلسه آینده ...

این دو را کنار هم بگذارید که واجبات و مستحبات باید با اسباب حلال انجام شود نه با اسباب حرام ..

گاهی اوقات یک تعیین ادله حرمت روی آن قرار میگیرد و چون گریه بر امام حسین هست و غنا معین بر این هست ادله استحباب بر آن حمل می شود ... این جا است که بساط تعارض را پهن می کنیم.

ادله عمومات واطلاقات بر بر ؛ که گریه بر امام حسین هم و لو در قالب غنا باشد اعانت بر بر است

ادله حرمت غنا ؛ ایشان می گوید که این ها با هم تعارض دارند.

الحمد لله رب العالمین